



## نقشه‌های تاریخی خلیج فارس.

نام «خلیج فارس» با اولین مطالعات علمی نقشه‌نگاری در تاریخ به جهان معرفی گردید. گلادیوس بطلمیوس،<sup>\*</sup> ریاضیدان، جغروایدان، منجم و نقشه‌نگار سده دوم میلادی در نخستین نقشه جهان‌نمای خود دریای حد فاصل سرزمین ایران و شبه‌جزیره عربستان را با نام «پرسیکوس»<sup>\*\*</sup> یا فارس معرفی نمود.<sup>(۱)</sup> آگاهی‌های بطلمیوس برگرفته از اطلاعات «فلادیوس آریانوس»<sup>\*\*\*</sup> در کتاب «ایندیکا» و همچنین کتاب «جغرافیای استرابون» بوده است.<sup>(۲)</sup> کتاب «ایندیکا» شرح مسافت فرمانده نیروی دریایی اسکندر به نام «ثارخوس» است که در سده چهارم پیش از میلاد با ناوگان خود در امتداد سواحل خلیج فارس، از بندر «گواتر» تا بخش‌های شمالی سفر کرد.<sup>(۳)</sup> به این ترتیب می‌توان دریافت که وقتی اسکندر به شرق لشکرکشی کرد، خلیج فارس یا دریای پارس نامی آشنا و مشهور بوده است و دریانوردان ایرانی و یونانی از این نام به طور گسترده استفاده می‌کردند.

تقریباً یک سده پس از اردوکشی اسکندر، دانشمند اهل اسکندریه نقشه جدیدی از جهان ترسیم کرد که در آن موقعیت «خلیج فارس» به درستی مشخص شده است. «اراتوستنس»<sup>\*\*\*\*</sup> برای نخستین بار مدارها و نصف‌النهارها را طبق اصول امروزی ترسیم نمود. در تمامی نقشه‌های چاپ شده از «اراتوستنس»، خلیج فارس بین دو پارهٔ خشکی پارس و عرب قرار گرفته است. این نقشه‌ها عبارتند از:<sup>(۴)</sup>

\* Glaudius Ptolemaeus

\*\* Persicus

\*\*\* Flavus Arrianus

\*\*\*\* Eratosthenes

۱. متن انگلیسی از جان بارتلمیو در کتاب ماجراهای اکتشاف آسیا، چاپ ۱۹۴۸
  ۲. متن انگلیسی از کتاب هوایپمایی کشوری، تألیف میخائیل یانگ
  ۳. متن فرانسه از مجله جغرافیا، چاپ ۱۹۵۸
  ۴. متن فرانسه از اطلس اونیورسال علوم هنری دووال، پاریس، چاپ ۱۸۳۷
  ۵. متن عربی از کتاب کارتوگرافی، تألیف دکتر محمد عبدالکریم صبحی، دانشگاه قاهره
  ۶. متن اسپانیولی اطلس اونیورسال اگویلر، مادرید، چاپ ۱۹۶۰
- نقشه «اراتوسننس» چند دهه پس از مرگش به وسیله «هیپارک»<sup>\*</sup> تصحیح شد. «هیپارک» ثابت کرد که خط ترسیمی از دروازه خزر تا نقطه‌ای که «پرسیس» و «کارمانی» به هم متصل می‌شوند اشتباه معروفی شده است. در نقشه «هیپارک» نام «خلیج فارس» ثبت شده است.<sup>(۵)</sup> «استرابون» جغرافیدان دیگری است که اگر چه به ایران مسافرت نکرده است، اما مجموعه بزرگی از وضعیت جغرافیایی ایران ترتیب داده که توصیف جزئیات خلیج فارس بخشی از آن است. او درباره خلیج فارس می‌نویسد: «می‌گویند دهانه خلیج فارس به قدری تنگ است که از دماغه کرمانیا می‌توان دماغه مکه واقع در عربستان را به چشم دید. ساحل سمت راست دهانه خلیج به شکل دایره است و ابتدا قدری از جانب کرمانیا به سمت مشرق متایل شده، بعد به طرف شمال می‌رود و بالاخره از سمت غرب تا «تردون» و مصب شط فرات می‌رسد. مجموع مساحت آن ده هزار «استاد» است و سواحل کرمانیا و ایران و شوش و قسمتی از بابل جزء آن است».<sup>(۶)</sup>
- «سفرنامه دریایی اریتره»<sup>\*\*</sup> از مؤلفی مجھول در سال ۸۰ میلادی راجع به تجارت دریایی سواحل افریقا با هند شرقی و نواحی مجاور آن اطلاعات جامعی دارد. نویسنده نام «خلیج فارس» را در کتاب خود ذکر کرده و درباره آن می‌نویسد: «هم چنان که از سمت شمال پیش رفته و به ورودی خلیج فارس نزدیک می‌شوید، به یک دسته از جزایر می‌رسید که به «کالیتوس» موسومند و در طول ساحل - که ۲۰۰۰ استاد طول دارد - قرار گرفته‌اند. نزدیک جزیره آخر کوهی است موسوم به «کالون» که دهانه خلیج فارس تا پای آن می‌رسد و در آنجا شمار زیادی مغاص مروارید موجود است».<sup>(۷)</sup>

\* Hipparch

\*\* Periplus of the Erythrean Sea

اطلاعات «بِطْلَمِيُوس» در واقع گردآوری آگاهی‌های جغرافی نویسان پیش از اوست و این جغرافی نویسن مشهور رومی حلقه واسطه جغرافی دانان یونان و روم و اندیشمتدان اسلامی است. جغرافی نویسان اسلامی از قرن سوم به بعد با توجه به نیازهای جهان اسلام در صدد ترسیم نقشه‌های گوناگون از جهان برآمدند و در این راستا توضیخات مفصلی راجع به «خلیج فارس» و نواحی پس کرانه‌ای آن داده‌اند. تقریباً در تمامی نوشته‌های تاریخی و جغرافیایی مسلمانان نام «خلیج فارس» یا «دریای فارس» ذکر شده است و سنت جغرافی نویسی اسلامی نامی غیر از آن چه ذکر شد در خاطره تاریخی خود ثبت نکرده است.

یکی از قدیم‌ترین متون جغرافیایی اسلامی کتاب «مسالک و الممالک»، نوشته عبیدالله بن عبدالله، معروف به «ابن خردناک» است که در سال‌های ۲۵۰ تا ۲۶۰ ق. نوشته شده است. او عبارت «پیر خلیج فارس» را برای «خلیج فارس» به کار بردé است.<sup>(۸)</sup> مدارک تاریخی نشان می‌دهد که در اسناد و مکاتبات اداری عصر عباسیان از واژه «پیر الفارسی» به طور گسترده استفاده می‌شده است. «قدامة بن جعفر» از دیبران مالی عصر عباسی در کتاب «الخراج» در توصیف رود دجله و شاخه‌های منشعب از آن می‌نویسد: «رود دجله آن گاه دو شاخه می‌شود. شاخه‌ای بر بصره گذرد و شاخه‌ای دیگر بر مزار، سپس همه آین‌ها در دریای پارس ریزد». <sup>(۹)</sup> «احمد بن ابی یعقوب»، معروف به «ابن واضح یعقوبی»، مورخ و دیوان سالار عصر عباسی، در کتاب خود - که در سال ۲۶۰ ق. تأثیف شده است - ضمن تشریح راه‌های دریایی می‌نویسد: «کشور چین سرزمین پهناوری است و هر کس بخواهد از راه دریا به چین رود از هفت دریا بگذرد که هر یک را رنگی و لونی و ماهیتی و بادی است جز آن چه در دریای بعدی است. اول دریای فارس که باید از سیراف در کشتی نشست و آخرش رأس الجمجمه است. این دریا کم وسعت است و جایی برای شکار صدف دارد». <sup>(۱۰)</sup> با این توصیف دانسته می‌شود که یعقوبی «دریای پارس» را منطبق بر خلیج فارس و دریای عمان می‌داند. «ابن فقیه» در کتاب «البلدان» - که در ۲۹۰ ق. تأثیف شده است - «دریای پارس» را به گونه‌ای توصیف نموده که متصل به «اقیانوس هند» است. او در این باره می‌نویسد: «بدان که دریای پارس و دریای هند یک دریا هستند، زیرا به یکدیگر پیوسته‌اند، اما در چگونگی ضد یکدیگرن. سختی کشتی رانی در دریای پارس از آغاز درآمدن خورشید به برج خوش است». <sup>(۱۱)</sup> «ابن رسته»، جغرافی نویس مسلمان اوایل سده چهارم هجری، از دیگر

دیوان سالاران عصر عباسی است که نام «بحر فارس» را به محدوده کنونی «خليج فارس» اطلاق کرده است. او در این باره می‌نویسد: «تعداد دریاهای معروف و بزرگ پنج است که از جمله‌اند دریای هند و فارس و چین و روم ...». (۱۲)

در نیمة اول سده چهارم هجری جغرافیدان مشهور اسلامی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصطخری [استخري]، اثر ماندگار خود را با نام «مسالک و المعالک» به رشتۀ تحریر در آورد. او ضمن ارائه نقشه‌هایی از وضعیت عمومی جهان آن روزگار به تفصیل راجع به «دریای فارس» نوشته است. در بخشی از کتاب او آمده است: «کنون یاد کنیم بعد از ذکر ولايت عرب، شرح دریای پارس به حکم آن کی این دریا بر دیار عرب می‌گردد و بیشتر ولايت اسلام آن است کی این دریا بر حدود آن می‌گردد و شکل آن را صورت کنیم و هر چه به آن پیوند بازگوییم و آغاز آن ملزم گیریم و جانب شرقی یاد کنیم کی به حدود دیار عرب در می‌گردد». (۱۳)

«اصطخری» در نقشه‌ای که در اثر خود آورده است، دریای فارس را از بندر «عبدان» در غربی‌ترین نقطه تا «دبیل» در شرقی‌ترین نقطه مشخص کرده است که بنادر آن به ترتیب عبادان، مهروبان، سینیز، جنابه، نجیرم، سیراف، حصن ابن عماره، هرموز و دبیل ذکر شده است. (۱۴)

ابوالقاسم محمدبن حوقل بغدادی فصلی از کتاب با ارزش «صورة الارض» را -که در سال ۳۶۷ق. نگاشته - به «بحر فارس» اختصاص داده است. او ضمن شرح مفصلی از «بحر فارس» حدود آن را واضح تر و بهتر از دیگر جغرافی نویسان مشخص کرده است. (۱۵) در نقشه‌ای که او از «بحر فارس» ترسیم کرده، دریا به راست و چپ خمیده شده است. در طرف راست، «البحر المحيط» و در خشکی، «براري الجنوب الغامره» نوشته شده است؛ دیار قلزم و شهرهای مختلف آن نیز آمده است. در طرف چپ عمان، بلدارین و سپس رود دجله و نواحی عراق مشخص شده است. به سوی بالا قطعه خشکی خوزستان و فارس و کرمان است که در کرانه‌های آن شهرهای مهروبان، سینیز، توج، جنابه، سیراف، حصن ابن عماره، سوره و سپس هرموز قرار گرفته است. در دریای پارس میان دیار عرب و دیار فارس جزایر لافت، خارک، اوال دیده می‌شود. تا این دوره «دریای پارس» به بخش بزرگی از آبهای خليج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند اطلاق می‌شد، اما جغرافی نویسان بعدی حدود دریای فارس را به تدریج منطبق با خليج فارس کنونی دانسته‌اند. «مقدسی» در کتاب «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» از نخستین

## نقشه‌های تاریخی خلیج فارس

جغرافی نویسان است که «بحر فارس» را در محدوده تقریبی کنونی آن ترسیم نموده است. در بخشی از کتاب او آمده است: «نبینی که بیشتر مردم، این دریا را تا مرزهای یمن، دریای فارس می‌نامند و بیشتر کشتی سازان و دریانوردان فارسی هستند». <sup>(۱۶)</sup>

سده ششم هجری دوره متمایزی در شناخت محدوده‌های دریایی است. «ادریسی» صاحب کتاب «نزهه المشتاق فی اختراق الآفاق» - که در ۵۶۰ ق. درگذشت - درباره محدوده «بحر فارس» می‌نویسد: «از دریای سبز چینی، بخشی منشعب می‌شود که آن دریای فارس و ابله است و راه عبورش از جنوب به شمال اندکی به غرب است سپس به سمت غرب سرزمین‌های سند و مکران و کرمان و فارس گرایش پیدا می‌کند تا این که در ابله، در محلی نزدیک آبادان، پایان می‌پذیرد و اینجا پایان آن دریاست». <sup>(۱۷)</sup>

«ابن مجاور» در سده هفتم هجری در کتاب «تاریخ المستبصر» نیز به درستی حدود دریای فارس را ذکر کرده است و آغاز آن را از قسمت شمالی «بحرين» دانسته است. <sup>(۱۸)</sup> «یاقوت حموی» در ۶۲۱ ق. در کتاب «معجم البلدان» درباره دریای فارس می‌نویسد: «دریای فارس شعبه بزرگی از دریای هند است و نام آن فارسی است، همان طور که حمزه (اصفهانی) از آن به نام «زره کامسیر» یاد می‌کند و حدود آن از «تیز» از نواحی مکران تا عبادان است که این بخش شامل دریای فارس می‌شود». <sup>(۱۹)</sup>

«شمس الدین دمشقی»، صاحب کتاب «نخبة الدهر» از دیگر جغرافی نویسان سده هفتم و هشتم هجری است که در یک بخش جداگانه به معرفی حدود دریای فارس و جزایر و عجائب آن پرداخته است. او در این باره می‌نویسد: «أهل علم گویند که دریای فارس دریایی، مبارک و کثیرالخیر است و شعبه‌ای از دریای هند و از شعبه‌های بزرگ آن است ... طول آن چهارصد و هشت فرسخ و عرض آن صد و هشتاد فرسخ است و در شکل مثلثی است که یک ضلع آن از بصره تا رأس الجمجمه از بلاد «مهره» و ضلع دیگر از بصره تا مکران و ضلع سوم از رأس الجمجمه به طول پانصد مایل تا الحساء و القطیف است». <sup>(۲۰)</sup> «ابوالقداء»، جغرافی نویس سده هشتم هجری، در کتاب «تقویم البلدان» به تفصیل از «بحر فارس» یاد کرده است. او در این باره می‌نویسد: «دریای فارس دریایی منشعب از دریای هند است که بخش شمالی آن مکران است که در دهانه دریای فارس قرار گرفته و قصبه آن تیز است و در طول نود و سه و عرض بیست و چهار

درجه قرار دارد و جانب دیگر آن عمان است ... سپس ساحل آن از عمان به طرف شمال تا عبادان امتداد می‌یابد و سپس از عبادان به مهرویان و جتابه و سیف‌البحر حصن ابن عماره و هرموز که بندرگاه کرمان است<sup>(۲۱)</sup>.

«شهاب الدین نویری» از نخستین نویسنده‌گان اسلامی است که در اوایل سده هشتم هجری در کتاب «نهاية الارب في فنون الادب» نام «خلیج فارس» را به کار برده و شرح جالبی از آن را به دست داده است. او می‌نویسد: «و اما خلیج فارس که مثلثی است شبیه بادبان که یکی از اضلاع از تیزکران به طرف کرمان بر ساحل هرموز و از بلاد فارس به طرف سیراف، توج و نجیم و جتابه و دارین و سینیز و مهرویان تا عبادان می‌رسد. از عبادان ضلع دیگر کشیده خط گسترش می‌یابد و آن ساحل بلاد عمان است که به طرف یمن امتداد می‌یابد و از آنجا تا رأس الجمجمه از بلاد مهره کشیده شده است و ضلع سوم آن از مکران به رأس الجمجمه کشیده می‌شود و طول این اضلاع متفاوت است؛ طول دو ضلع آن پانصد مایل و ضلع آخر به طول نهصد مایل است<sup>(۲۲)</sup>.

«فلقشندی»، مورخ سده نهم هجری و صاحب کتاب «صبح الاعشی فی صناعة البناء»، نیز شرح مبسوطی درباره دریای فارس آورده است که برگرفته از نوشته‌های جغرافی نویسان پیشین است.<sup>(۲۳)</sup> آخرین شاهد تاریخی از نوشته‌های مسلمانان پیش از ورود گسترده اروپاییان به شرق می‌توان از نوشته‌های دریانورد مشهور مسلمان، «شهاب الدین احمد بن ماجد» یاد کرد. از او به عنوان راهنمای «واسکودوگاما» در رسیدن به ساحل هند یاد کرده‌اند و همچنین کتاب راهنمای دریانوردی نفیسی از «ابن ماجد» به نام «كتاب الفوائد في اصول البحر و القواعد» بر جای مانده است که در بخشی از آن اشعاری در وصف مناطق جغرافیایی خلیج فارس و اقیانوس هند ذکر شده است که عنوان آن «ارجوزه بـالعرب و العجم فـي خـلـيـجـ فـارـسـ» است.<sup>(۲۴)</sup> توصیف جغرافیایی این نویسنده از بنادر و سواحل و جزایر خلیج فارس از یادگارهای مهم فرهنگ اسلامی به شمار می‌آید.

با توجه به آن چه گفته شد و با دقت و کنکاش در متون اصیل اسلامی تا سده دهم هجری می‌توان دریافت که نام «دریای پارس» و بعدها «خلیج فارس» واژه‌ای کاملاً فراگیر و دارای کاربرد گسترده در دنیای اسلامی از شرق تا غرب بوده است و همه نویسنده‌گان عرب از این واژه در متون

ادبی و تاریخی و جغرافیایی خود استفاده کرده‌اند و حتی برای یک بار هم این نویسندهای واثه «خلیج عربی» یا ترکیبی مانند آن را به کار نبرده‌اند. نویسندهایی که ذکر آن رفت از ملیت‌های گوناگون اسلامی بوده‌اند و متفق القول از واثه «دریای فارس» یا «خلیج فارس» استفاده کرده‌اند. با ورود گسترده اروپاییان به شرق و آشنایی آنان با مناطق گوناگون، نخستین توصیف‌های جغرافیایی آنان از منطقه خلیج فارس و حوزه اقیانوس هند آغاز شد و عصر نوینی در اکتشافات علمی به وجود آمد. در بخش بعدی طی یک بررسی گذرا به توصیف جغرافیایی «خلیج فارس» در متون اروپایی پرداخته و نقشه‌های گوناگون آن را در طول تاریخ تا سده بیستم میلادی بررسی خواهیم کرد.

<sup>۱۰</sup> در سال ۱۴۹۷ م. واسکو دو گاما پرتغالی دماغه امیدنیک را دور زد و سال بعد به سواحل هند رسید. پرتغالی‌ها پس از تصرف بنادر شرقی هند و استقرار نیروهای نظامی در بندر «گوا»، در صدد تسلط بر «خلیج فارس» و آبراه مهم آن، تنگه هرموز برآمدند و برای نخستین بار پس از حمله اسکندر به شرق اروپاییان توانستند در «خلیج فارس» مستقر شوند. تصرف «هرموز» به دست «آلبوکرک»، فرمانده پرتغالی، آغاز دوره‌ای جدید در تحولات سیاسی ایران و خلیج فارس به شمار می‌آید. دوره‌ای که در تاریخ شرق به «عصر استعمار» مشهور شده است. با استقرار پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و خلیج فارس و لزوم شناسایی دقیق جغرافیایی مناطق ناشناخته شرق، دوره جدیدی در مطالعات جغرافیایی به وجود آمد که آغازگر آن دریانوردان پرتغالی بودند. هنگام ورود پرتغالی‌ها به شرق نام «خلیج فارس» یا «دریای پارس» در تمام نواحی اقیانوس هند تا شرق دور نامی شناخته شده و مشهور بود. از این رو آنان نیز از همان آغاز ورود به طور گسترده از این نام بهره جسته و در نقشه‌های گوناگونی که در طول حضور خود در شرق ترسیم نموده‌اند، این دریا را به نام «خلیج فارس» یا «دریای پارس» معرفی کرده‌اند.

قدیم‌ترین نقشه و سند پرتغالی درباره این منطقه «سفرنامه دو آرته باریوسا»<sup>\*</sup> است که طی سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۵۱۵ م. به هرموز مسافرت کرده است. در سیاحت‌نامه او - که به وسیله «راموزیو»<sup>\*\*</sup> در سال ۱۵۶۳ م. در ونیز به چاپ رسیده - شرح مفصلی از محدوده خلیج فارس و

\* Duarte Barbosa

\* Ramusio

سواحل آن آمده است.<sup>(۲۵)</sup> در بخشی از سفرنامه «باربوسا» آمده است: «در دهانه دریای پارس جزایر وجود دارد به شرح زیر که متعلق به پادشاه هرموز است: کیش، هندورابی، لار، تمب، فرور، قشم و بحرین ...». <sup>(۲۶)</sup> مهمترین طراح ایتالیایی سده شانزدهم، «جیاکومو گاستالدی»<sup>\*</sup>، در نقشه مشهور خود به نام «عربیا فلیکس»<sup>\*\*</sup> از سیاحان پرتغالی الهام گرفته و از واژه خلیج فارس استفاده کرده است. در هنگام ورود پرتغالی‌ها به اقیانوس هند، اصطلاح «خلیج فارس» به محدوده‌ای وسیع شامل دریای عمان و خلیج فارس و بخشی از اقیانوس هند کنونی اطلاق می‌شده است. در آن روزگار دریانوردان هندی محدوده خلیج فارس را به دو تنگه تقسیم می‌نمودند: «تنگه هرموز» از بندر «گوادر» تا «رأس الحد» و «تنگه بصره» که از شمالی‌ترین بخش آن تا جزیره «هرموز» را شامل می‌شده است.<sup>(۲۷)</sup> در سال ۱۵۰۷م. نقشه‌ای از ایران براساس جغرافیای بطلمیوس در شهر رم منتشر شد که در آن نام «سینوس پرسیکوس» ثبت شده است. در این نقشه چند جزیره خلیج فارس نیز مشخص شده است.<sup>(۲۸)</sup>

یکی دیگر از مورخان پرتغالی سده هفدهم میلادی - که توصیف کاملی از محدوده «خلیج فارس» آورده است - «فاریا سوسا»<sup>\*\*\*</sup> است. او در بخشی از کتاب خود، «آسیای پرتغال» نوشته است: «خلیج فارس بین پارس و بخش غربی واقع شده است و نامش را از سرزمین ساحلی پارس گرفته است. مهمترین بخش آن «دماغه جاسک» یا «کرپالا» در بیست و شش درجه عرض جغرافیایی آغاز و به رودخانه فرات می‌انجامد. در ساحل آن شهرها، رودخانه‌ها و جنگل‌ها و جزایر بسیاری وجود دارد. یک سمت آن نیز از دماغه «مستند» آغاز می‌شود که در این بخش چهار شهر وجود دارد. قطیف در برابر بحرین قرار دارد و سی لیگ وسعت و هفت لیگ طول آن است؛ فاصله آن از هرموز صد و ده است. بزرگترین محصول آن تمر هندی است و میوه‌های گوناگونی دارد که مانند آن در اسپانیا نیز هست. بزرگترین شهر آن محدوده، «بحرين» است که در جزیره‌ای واقع شده که یکصد روستا در آن وجود دارد. مردم آنجا مسلمان و عرب هستند. زوبه روی جزیره بحرین منطقه‌ای به نام «لحسا» وجود دارد که شخصی به نام «مکرم» در آنجا حکومت می‌کند. او هم اکنون قدرت خود را بر ضد پرتغالی‌ها در بحرین توسعه داده

\* Giacomo Gastaldi

\*\* Arabia Felix

\*\*\* Faria Sousa

است<sup>(۲۹)</sup>. در سدهٔ هفدهم میلادی «پدرو تیکشیرا»<sup>\*</sup>، سیاح و مورخ پرتغالی، شرح مبسوطی از رویدادهای سیاسی و اقتصادی «خلیج فارس» براساس نسخهٔ فارسی «شاهنامهٔ تورانشاهی» و دیده‌های خود نوشت که در ۱۶۱۰م. در بلژیک به چاپ رسید.<sup>(۳۰)</sup> این نویسنده که بارها در «خلیج فارس» و کرانه‌ها و جزایر آن به مسافرت پرداخته است، محدودهٔ خلیج فارس را تا «رأس الحد» دانسته و اصطلاح «تنگهٔ هرموز» را نیز به کار برده است. او براساس سنت دریانوردان محلی، خلیج فارس را به دو بخش تقسیم نموده که بخش اول از «بندر گوادر» تا «رأس الحد» و بخش دوم از جزیرهٔ «هرموز» تا «بندر بصره» را شامل می‌شود.<sup>(۳۱)</sup> در سال ۱۵۹۵م. نخستین نقشهٔ ایران در «اطلس مرکاتور» به چاپ رسید که در آن اصطلاح «سینوس پرسیکوس» (دریای پارس) به چشم می‌خورد.<sup>(۳۲)</sup> از آنجایی که در قسمت دریایی عمان کنونی نامی دیده نمی‌شود، احتمالاً در آن دوره هنوز همهٔ دریاهای ساحلی ایران را «خلیج فارس» می‌خوانده‌اند. «پیترو دلاواله»، جهانگرد و دانشمند ایتالیایی، در اوایل سدهٔ هفدهم میلادی به نواحی گوناگون حوزهٔ اقیانوس هند و خلیج فارس سفر کرد و اطلاعات جالبی از این مناطق در سفرنامهٔ خود ثبت نمود. او دربارهٔ محدودهٔ خلیج فارس می‌نویسد: «به محض خروج از تنگهٔ خلیج فارس با مدد شدید دریا روبرو شدیم و به قلب دریایی زدیم که قدمای آن را دریای سرخ و جغرافیدان‌ها، اقیانوس جنوب نامیده‌اند. تنگهٔ خلیج فارس که در این سویش در ایران دماغهٔ جاسیک و در آن سویش در عربستان دماغه‌ای است که پرتغالی‌ها آن را رأس الجت<sup>\*\*</sup> می‌نامند و همین گونه در نقشه‌های جغرافیایی ثبت شده است که به طور درست آن را باید «رأس الحد» ذکر کرد که در زبان عربی به معنای دماغهٔ پایانی مرزی است، زیرا در آخرین و دورترین نقطه در بخش پایانی خاک این کشور واقع شده و بیش از نقاط دیگر در آب پیش رفته است؛ شبیهٔ دماغهٔ «گالیس»<sup>\*\*\*</sup> در اروپای خودمان که جغرافیدان‌ها به همین دلیل آن را دماغهٔ پایان خشکی نامیده‌اند.<sup>(۳۳)</sup> از آنجایی که «دلاواله» این اطلاعات را از نقشه‌های جغرافیایی پرتغالی‌ها به دست آورده است، آشکار است که اصطلاح «خلیج فارس» در سدهٔ شانزدهم و اوایل سدهٔ هفدهم به عنوان نامی پذیرفته شده و فراگیر در تمامی منطقهٔ حوزهٔ اقیانوس هند کاربرد داشته است. «دلاواله» همچنین با یک نقشه‌بردار

\* Pedro Teixiera

\*\* Rosalgar

\*\*\* Galis

انگلیسی برخورد کرده که نقشه خلیج فارس را ترسیم کرده است. او در این باره می‌نویسد: «انگلیسی‌ها و دیگر ملل اروپایی که اقیانوس‌ها را در می‌نوردند، به نظم و انضباط اهمیت زیادی می‌دهند و در زمینه طرز عمل و به کارگیری کشتی‌هایشان همواره تابع دستورهای تعیین شده‌اند. همین کاپیتان «وود کاک»، سال پیش که ماهها با کشتی‌اش در خلیج فارس بود، نقشه‌ای از تمامی اطراف تنگه هرموز به من نشان داد که شخصاً در همان زمان با دقت ترسیم کرده و بروی آن به صورت منظم تمام اندازه‌ها و نکات لازم را یادداشت کرده بود، حتی عمق آب‌ها را نقطه به نقطه و گاه گام به گام با سرب اندازه گرفته بود تا کشتی‌های بزرگ بتوانند با اطمینان رفت و آمد کرده و یا پهلو گرفته، لنگر بیندازند». <sup>(۳۴)</sup> براساس آنچه «دلواهه» آورده است، می‌توان دریافت که در نخستین نقشه‌های علمی - که مساحتی و عمق یابی خلیج فارس را نشان می‌دهد و توسط یک کاپیتان انگلیسی به انجام رسیده است - اصطلاح «خلیج فارس» در محدوده تاریخی آن - که «دریای عمان» را نیز در بردارد - به کار گرفته شده است. در همین دوره «سیلوا فیگوئرا»، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس، در سفرنامه خود محدوده خلیج فارس را به خوبی تشریح کرده است. او که در سال ۱۶۱۷م. وارد این منطقه دریایی شد، درباره آن می‌نویسد: «خلیج فارس از جایی که دهانه‌اش بسیار تنگ است، یعنی بین دماغه رأس المستدم و ساحل مقابل موغستان به سوی مغرب و جنوب غربی گسترش می‌یابد و تا نخلیو - که پنجاه فرسنگ آن سوی قرار گرفته است - لنگرگاهی بزرگ را در طول جزیره قشم تشکیل می‌دهد و پس از آن همان طور که گفته‌ایم تا بصره و سپس تا مصب رود فرات بیشتر به طرف مغرب و شمال غربی کشیده می‌شود. در وسط خلیج فارس - که درازای آن بسیار بیشتر از پهنهای آن است - جزیره حاصلخیز بحرین قرار دارد...» <sup>(۳۵)</sup>

«سر توomas هربرت»<sup>\*</sup> در سال ۱۶۲۸م. با هیأت «سر دود مورکوتون»<sup>\*\*</sup> وارد بندرعباس شد و هیأت را تا اصفهان همراهی کرد. حاصل این مسافرت شرح سفری است که در سال ۱۶۳۴م. در لندن منتشر شد. نسخه اصلی این سفرنامه دارای سی و پنج تصویر است که یازده تای آن محدوده ایران امروزی را شامل می‌گردد. تصاویر سفرنامه هربرت برای اولین بار با

\* Sir Thomas Herbert

\*\* Sir Dod Morecotton

شرح موضوع زیرنویسی شده، منتشر گردید. از میان این تصاویر نقشۀ «چشم اندازی از خلیج فارس» و «نقشه ایران» در این مقاله بررسی می‌شود. نقشۀ نخست طراحی دورنمای تنگۀ هرموز است که در دو سمت آن کوه‌هایی کم ارتفاع و آبادی به چشم می‌خورد. در این تنگۀ نام انگلیسی خلیج فارس (The Persian Gulph) ثبت شده است. تصویر بعدی، نقشۀ‌ای است با نام امپراتوری ایران (The Persian Empire) که در بخش جنوبی آن نام (The Gulph of Persia) به چشم می‌خورد. «هربرت» مانند دیگر معاصرانش اصطلاح خلیج فارس را شامل دریای عمان گنونی نیز دانسته است. در بخش شمالی خلیج فارس پنج جزیرۀ بدون نام تصویر شده و جزیرۀ قشم و هرموز در دهانۀ تنگۀ و جزیرۀ بحرین به اشتباه در بخش جنوبی تنگۀ هرموز آورده شده است. این نقشه از قدیم‌ترین طراحی‌های اروپایی مربوط به آغاز سده هفدهم میلادی است که بر جای مانده است.

«ژان پاپیست تاورنیه»، جهانگرد فرانسوی، در سال ۱۶۶۵ م. به ایران مسافرت کرد و در این سفر نقشه‌ای از کشور ترسیم نمود که در بخش جنوبی آن نام خلیج فارس (Golphe Persique) به چشم می‌خورد. در نقشۀ او موقعیت جغرافیایی بحرین و جزیرۀ هرموز به درستی مشخص شده است.

«انگلبرت کمپفر» آلمانی بیش از همه مسافران عصر صفویه به اکتشافات علمی پرداخت. او در ۱۶۸۵ م. به ایران سفر کرد. حاصل کار او سفرنامۀ با ارزشی است که در ۱۷۱۲ م. به چاپ رسید. در اثر او نقشه خلیج فارس نیز به چشم می‌خورد. او نام دریای پارس (Sinus Persici) را برای آن برگزید. نقشۀ او شامل جزئیات بسیاری از این آبراه است و ظاهراً همانند پیشینیان خود دریای عمان را نیز به دریای پارش اضافه نموده است. موقعیت جزایر دهانۀ خلیج فارس به خوبی مشخص شده است. جزایر هرموز، لارک، هنگام، قشم، تمب در این نقشه به چشم می‌خورد. دو نقشه بردار انگلیسی به نام «کریستوفر براؤن» و «ساموئل تورنتون» در سال ۱۷۱۲ و ۱۷۱۶ م. در نقشه‌های ارائه شده خود واژه «خلیج فارس» را به کار برده‌اند. اما نقشه‌ای که «کارستن نیبور» در سال ۱۷۷۲ م. منتشر ساخت، از همه نقشه‌های پیشین کامل‌تر بود. تحقیقات او درباره عربستان و خلیج فارس دارای ارزش ویژه‌ای است.<sup>(۳۶)</sup>

«نیبور» همچون گذشتگان واژه دریای پارس (Sinus Persicus) را برای خلیج فارس به کار

برده است و نقشه او همه بنادر و جزایر منطقه را در بر می‌گیرد. دقت نظر در تعیین موقعیت جغرافیایی مکان‌های گوناگون از ویژگی‌های برجسته کارهای او به شمار می‌رود. در نقشه او محدوده «دریای پارس» دقیقاً با محدوده کنونی «خليج فارس» منطبق است. در سال ۱۷۷۶م. «دانویل» نقشه کاملی از خليج فارس ترسیم کرد که در آن جزئیات بنادر و جزایر به خوبی مشخص شده است. او در این نقشه از واژه خليج فارس (Golfe Persique) استفاده کرده است.

در سال ۱۷۸۵م. گزارش مساحی خليج فارس - که «جان مک کلوئیر»<sup>۳۶</sup> از نیروی دریایی بمبئی آن را تهیه کرده بود - منتشر شد و این گزارش در سال ۱۷۸۶م. توسط الکساندر دالریمپل به همراه گزارش‌های مربوط به توپوگرافی خليج فارس - که «نیبور تورنتون» آن را تهیه کرده بود - منتشر شد.<sup>۳۷</sup> در همه نقشه‌های منتشر شده، واژه «خليج فارس» به کار رفته است. فصل تازه‌ای در کشفیات ساحلی خليج فارس در سال ۱۸۰۹م. آغاز شد که به سرپرستی کاپیتان «وین رایت»<sup>۳۸</sup> انجام می‌شد.<sup>۳۹</sup> این گروه نقشه‌هایی منتشر کرد که جامع‌ترین نقشه دریاره سواحل ایران است.<sup>۴۰</sup>

بین سال‌های ۱۸۲۱ تا ۱۸۲۹م. چهار کاپیتان نیروی دریایی بمبئی، به نام‌های کاپیتان گای از کشتی دیسکاوری، کاپیتان کوگان<sup>۴۱</sup> از کشتی سایک، کاپیتان بروکس از کشتی تاین موث و سروان هاینتر از کشتی بنارس، مساحی و نقشه‌برداری کامل خليج فارس را انجام دادند. در سال ۱۸۳۰م. کاپیتان بروکس براساس اطلاعات موجود در این نقشه‌برداری‌ها، نقشه کامل خليج فارس را به دو زبان انگلیسی و عربی منتشر ساخت.<sup>۴۲</sup> در سال ۱۸۶۰م. نیروی دریایی انگلیس کاپیتان استیف<sup>۴۳</sup> را مأمور بررسی دقیق نقشه‌های قدیم خليج فارس کرد و او توانست پس از یک بررسی درازمدت دو نقشه جدید از خليج فارس ارائه کند که در آن موقعیت نقاط اصلی، جزیره‌ها و عوارض زمینی مشخص شده بود و عمق آب نیز از نقشه‌برداری‌های کاپیتان گای و بروکس گرفته شده بود.<sup>۴۴</sup> در همه این نقشه‌ها واژه «خليج فارس» به کار رفته و

\* John McCluer

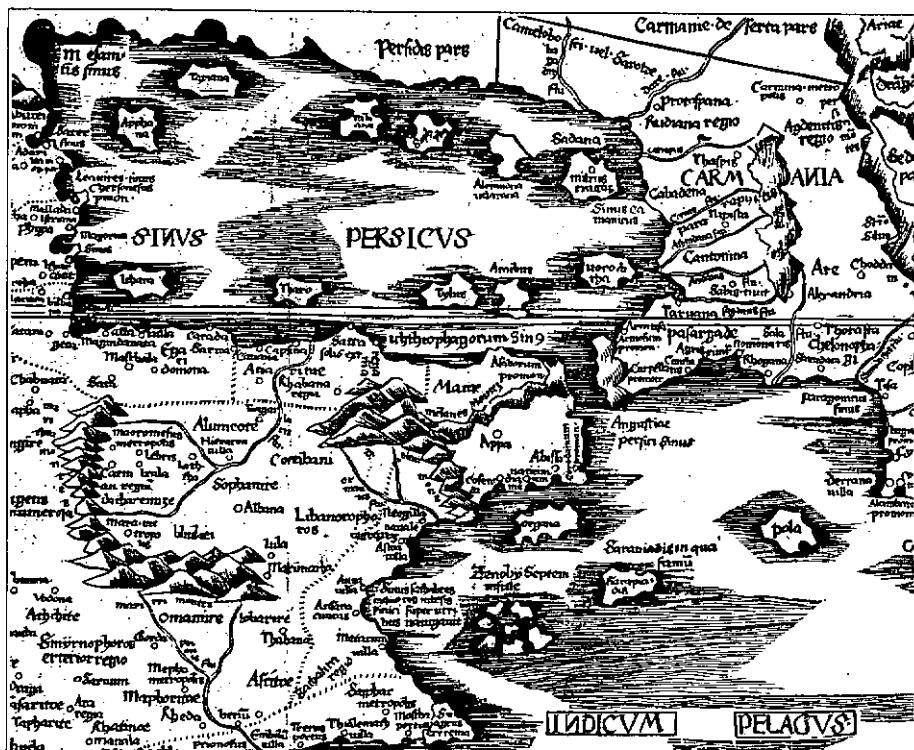
\*\* wain wright

\*\*\* Cogan

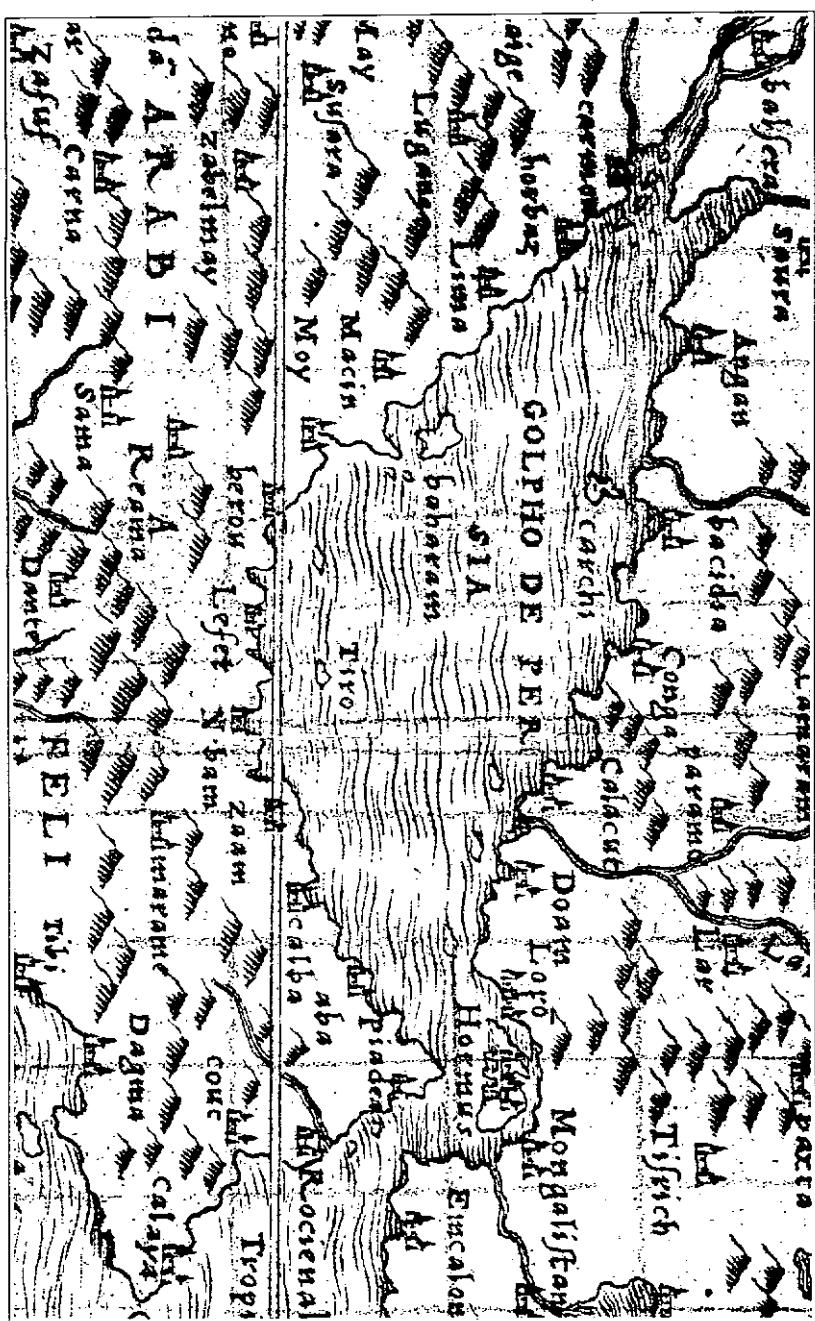
\*\*\*\* Stiffe

حتی در یک مورد هم نامی دیگر در آن ثبت نشده است. تعداد بی‌شمار دیگری از نقشه‌های سده‌های هیجدهم و نوزدهم و بیستم میلادی موجود است که به زبان‌های گوناگون دنیا منتشر شده و در همه آنها نام «خلیج فارس» یا «دریای پارس» برای این آبراه مهم منطقه به کار برده شده است. تعداد بی‌شماری نقشه‌های چاپ کشورهای عربی نیز موجود است که نام «خلیج فارس» در آن ضبط شده است.<sup>(۴۲)</sup> در یک بررسی کلی در همه نقشه‌های چاپ شده در نیمة اول سده بیستم می‌توان دریافت که همه طراحان و نقشه‌برداران از ملیت‌های گوناگون و باگرایش‌های قومی گوناگون نام «خلیج فارس» را به کار برده‌اند و این امر از بدیهیات اولیه همه نقشه‌های معتبر جهان بوده است و کاربرد واژه دیگری به جای نامی که طی چند هزار سال کاربرد فراگیر داشته و با خاطره تاریخی پر مانوس بوده است، امری غیرقابل پذیرش و غیرواقعی است. هر چند بسیاری از اندیشمندان عرب در عصر کوتولی بر ساختگی بودن نام توین «خلیج عربی» اذعان دارند و این امر بر علمای بخش‌های مختلف جهان نیز اثبات شده است، اما در چند دهه اخیر تلاش‌هایی برای تغییر نام «خلیج فارس» به عمل آمده است و تبلیغات گسترده‌ای در این زمینه انجام گرفته تا ذهنیت جهان عرب را به پذیرش این نام ساختگی متمایل سازند. دلایل و عوامل پشت پرده شکل‌گیری این سیاست بر هیچ کس پوشیده نیست، اما آن چه که برای اندیشمندان واقعی در جهان آشکار است، حقانیت تاریخی و حقوقی ایران در به رسمیت شناختن بین‌المللی نام «خلیج فارس» است. نامی که به مدت چند هزار سال در اسناد و مکتوبات و نقشه‌های تاریخی و چغرافیایی و ادبی ملل گوناگون جهان رایج بوده و به طور وسیع کاربرد داشته است. در پایان به مصدق ضرب المثل ایرانی «مشت نمونه خروار»، تصویر چند نقشه به زبان‌های گوناگون و مربوط به ادوار مختلف تاریخی آورده می‌شود تا تأکیدی بر درستی نام «خلیج فارس» باشد:

نقشهٔ ۱- از گلادیوس بطلمیوس (سدهٔ دوم میلادی)



نقشه ۲- از جیاکومو گاستالدی (م ۱۵۴۸)

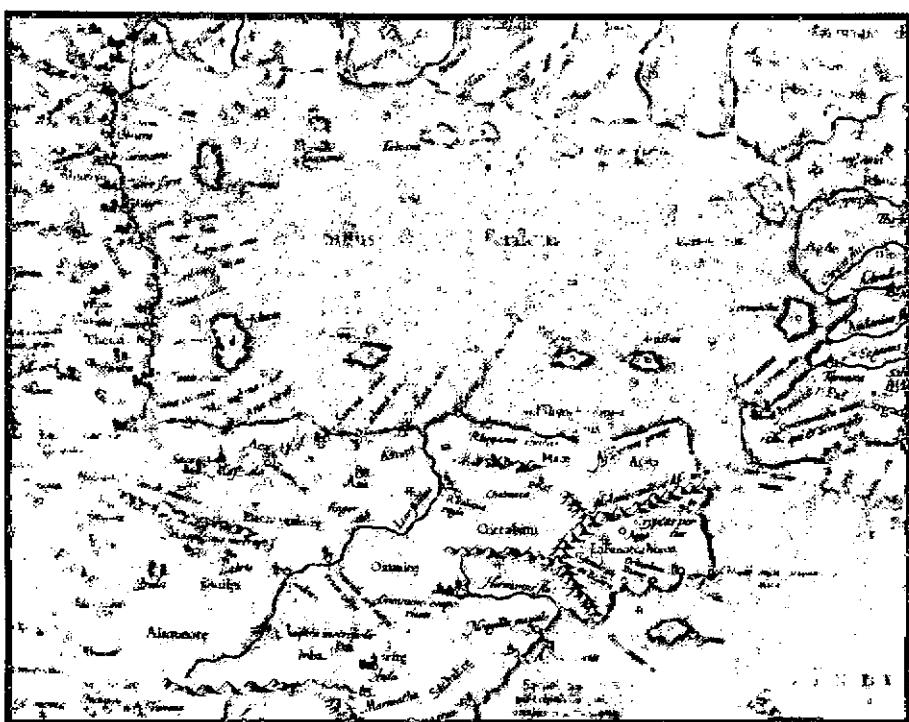


نقشهٔ ۳ - (م ۱۵۷۷)



نقشه‌های تاریخی خلیج فارس

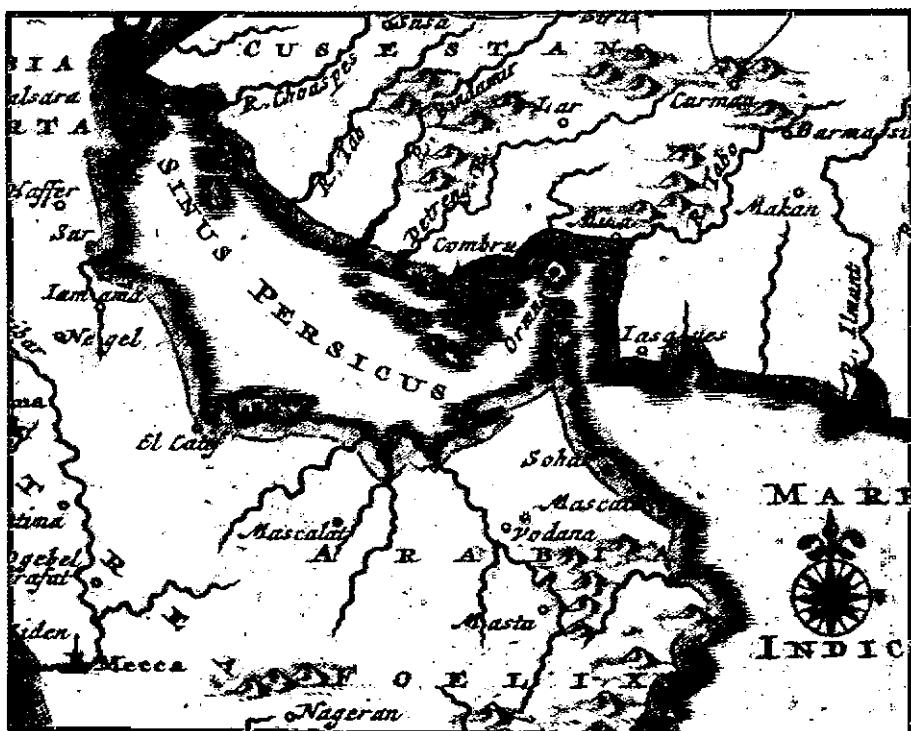
نقشه ۴- (م ۱۶۲۰)



نقشهٔ ۵ (۱۶۷۶ م)



نقشه ۶- (م ۱۷۰۵)



(م ۱۷۵۵) نقشهٔ ۷



نقشه‌های تاریخی خلیج فارس

نقشه ۸- (م ۱۸۱۷)

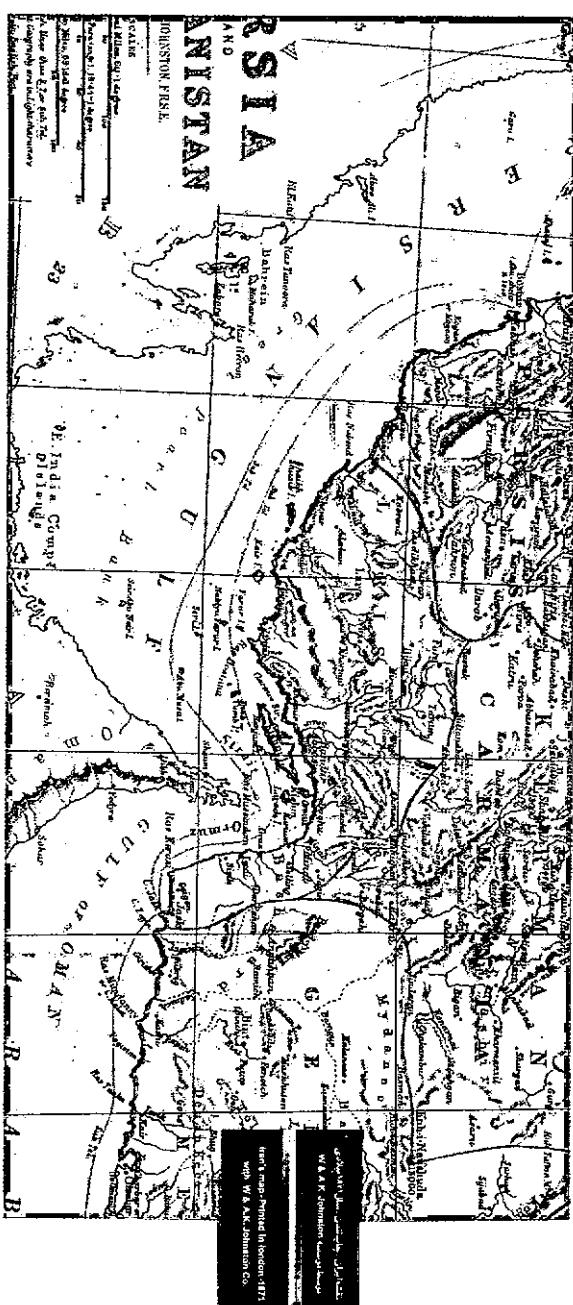


نقشهٔ ۹ - (م ۱۸۴۰)



نقشه‌های تاریخی خلیج فارس

(م ۱۸۷۱)-۱۰ نقشه



## پی‌نوشت‌ها

1. *The Gulf in the Historic Maps*, edited by Sultan bin Mohammad Alqasemi, 1996, pp.11-13.
2. John W.Mc Crindle, *The Commerce and Navigation of the Erythraean Sea and Ancient India*, Amesterdam, 1973, Chapter 16.
3. See: Arrian, *Anabasis Alexanderis*, London, 1954.
4. اطلس جغرافیایی و استاد تاریخی خلیج فارس، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ص ۱۵-۱۸.
5. آلفونس گابریل، تحقیقات جغرافیایی ایران، ترجمه خواجه نوری، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۱، ص ۲۵.
6. Strabo, *The Geography of Strabo*, London, 1954, Book xv. p.157.
7. Wilfred Schoff, *The Periplus of Erythrean Sea*, New York, 1912.
8. عبیدالله بن عبدالله ابن خردابه، مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران: مؤسسه فرهنگی حنفی، ۱۳۷۱، ص ۶۷.
9. قدامة بن جعفر، *الخراب*، لیدن ۱۹۶۷م، ص ۲۲۲-۲۳۲.
10. ابن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه عبدالرحمان آینی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۰.
11. ابن فتحی، *مختصر البیان*، لیدن ۱۸۸۵م، ص ۹.
12. ابن رسته، *اعلائق النقيسه*، لیدن ۱۸۹۱م، ص ۸۳-۴.
13. ابواسحاق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۳۱.
14. در چاپ جدید از مسالک و ممالک - که با نام مسالک و مسالک به کوشش استاد ایرج افشار در دسترس عموم قرار گرفته است - کلیه نقشه‌های ارائه شده توسط اصطخری آمده است. نک: اصطخری، مسالک و مسالک، تصحیح ایرج افشار، تهران: انتشارات موقوفه انشار، ۱۳۷۳، ص ۵۴۶ به بعد.
15. ابن حوقل، *صورة الارض*، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۲.
16. مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه متزوی، تهران: شرکت مؤلفان ایران، ۱۳۶۱، ص ۲۶.
17. ادریسی، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، قاهره: مکتبة الثقافة الدينية، ۱۹۹۴، ص ۹.

## نقشه‌های تاریخی خلیج فارس

۱۸. ابن مجاور، *تاریخ مستبصر*، تصحیح او سگر لوفگرین، لندن ۱۹۵۱، ص ۲۰۰.
۱۹. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، بیروت: نشردار صادر، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۳.
۲۰. در این باره، نک دمشقی، *نخبة الدهر في عجائب البر والبحر*، ترجمه سید حمید طبیان، بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان.
۲۱. ابوالغداء، *تقویم البلدان*، پاریس ۱۸۴۰، ج ۲۲، ص ۲۲.
۲۲. شهاب الدین التویری، *نهاية الارب في قنون الادب*، قاهره ۱۹۲۹، ج ۱، ص ۲۲۴.۵.
۲۳. القلقشندی: *صحیح الاعشی فی صناعة الانشاء*، قاهره: وزارة الثقافة والاسرة القومی، ۱۹۶۲، ج ۳، ص ۲۲۴.
۲۴. ابن ماجد، *كتاب الفوائد فی اصول البحر و القواعد*، ترجمة احمد افتخاری، تهران: انجمان آثار و مفاخر فرهنگی ایران، ۱۳۷۲، ص ۴۹۱.
25. See: Duarte Barbosa, *A Description of the Coast of Africa and Malbar*, translated by Henry and Stanley, London, 1966.
26. Ibid., p.37.
27. Pedro Teixiera, *The Travels of Pedro Teixiera*, translated by Sinclair, London, 1901, p.163-4..
28. آلفونس گابریل، بیشین، ص ۶۵.
29. Faria Sousa, *The Portugues Asia*, translated by John Stevense, London, 1695, VI. part III, Chap. VI, p.257.
30. Ibid., p.154.
31. Ibid., p.164.
32. آلفونس گابریل، بیشین، ص ۸۱.
33. پیترو دلاواله، *سفرنامه*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸۹-۹۰.
34. بیشین، ص ۱۲۹۲-۳.
35. دن گارسیا سیلو فیگورثا، *سفرنامه*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳، ص ۷۷.
36. Carsten Niebur, *Reisebeschreibung nach Arabien und andern Umliegenden Laendern*, Copenhagen, 1772, p.215.

37. See: John Mc Cluer, *An Account of the Navigation Between India and the Gulph of Persia*, London, 1786.

٣٨. آنفونس گابریل، پیشین، ص ١٨٥.

39. See: Andrew Cook, *Survey of the Shores and Islands of the Persian Gulf*, 5 Vols. Archive Edition, 1990.

40. See: R.A. Markham, *Memoir on the Indian Surveys*, London, 1879.

41. Ibid., p.35.

٤٢. در این باره، نک: علیرضا میرزا محمد، *الخليج الفارسي: القرون والاعصار*، تهران: مجمع الادب و الفن الايراني، ١٣٥٥.